

حدیث کشمیر در شعر فانی کشمیری

ملک سلیم جاوید*

کشمیر جنت‌نظیر موضوع اشعار اکثر شعرا خاصه شعرای عصر شاهجهان بوده است و تقریباً تمام شعرا فصل‌ها و باغ‌ها و درخت‌ها و گل‌ها و میوه‌ها و کانال‌ها و آبشارهای کشمیر را در منظومه‌های خود مورد توصیف و تمجید قرار داده‌اند. اما علاقه و دل‌بستگی فانی به سرزمین کشمیر نسبت به شعرای دیگر از این لحاظ بیشتر بوده است، که فانی زاده و پرورده کشمیر بود.

ملاً شیخ مرزا محمد محسن فانی فرزند شیخ محمد کشمیری در سال ۱۰۲۳ هـ/ ۱۶۱۵ میلادی در خانه‌ای به مقام حوض‌خانه در قطب‌الدین پوره واقع در سری‌نگر پایتخت ایالت کنونی جمو و کشمیر چشم به جهان گشود.^۱ او اولاً قرآن مجید را خواند و تحصیلات مقدماتی را در شهر خود فراگرفت و چنان‌که گفت:

چو طفل جان من در مکتب تن سواد دیده دل کرد روشن
زبان من به قرآن آشنا شد کلید گنج اسرار خدا شد
فتاد اجزای مصحف تا به دستم زرگ‌های دلش شیرازه بستم
چو جلد از بس که کردم حفظ قرآن به زیر پوست دارم دوست پنهان^۲

* کارمند کالج ذاکر حسین، دهلی‌نو.

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، به اهتمام [پروفسور] عابدی، ص ۲؛ تذکره‌الشعرا، ص ۹۸؛ فارسی‌سرایان کشمیر، ص ۴۸؛ مآثرالکرام، ص ۹۵؛ مجله شیرازه، ص ۵.
۲. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، به اهتمام [پروفسور] عابدی، ص ۲.
۳. همان، ص ۴۷.

فانی کشمیری بعد از آن در رشته دستور زبان و منطق و ریاضی و حدیث و فقه و تفسیر تحصیلات را به پایه تکمیل رساند:

چو در علم صرف و نحو سفتم سخن از صیغه و ترکیب گفتم
زبانم تا به منطق آشنا شد به میزان سخن مشکل گشا شد^۱

*

ریاضت‌ها کشیدم در ریاضی که شد از من ارسطو نیز راضی
لب من تا حدیثی را عمل کرد زبانم مشکلات فقه حل کرد^۲
فانی کشمیری علوم دینی را پیش نظام‌الدین محمد شیخ میرک حاصل کرد:
که بود استاد من خوش طبع و زیرک نظام‌الدین محمد شیخ میرک
درین عصر اهل دین را رهنما اوست چراغ دودمان مصطفی اوست^۳
درباره فضیلت و دانش استاد خود اشاره کرده و می‌گوید:

نه تنها شیخ و دانشمند عصر است کمالاتش برون از حد و حصر است^۴

فانی برای تحصیلات عالی به خارج از کشور مثل بخارا و خراسان و کابل نیز مسافرت کرد.^۵ بعد از آن شغل تدریس را اختیار کرد و یکی از استادان و دانشمندان عصر خود به شمار می‌رفت و می‌گفت که از جمله شاگردان استاد خود هیچ کس غیر از من معلّم ماهر نیست:

نبوده هیچ کس در درس این فن ز شاگردان او استاد چو من^۶

محمد طاهر غنی کشمیری^۷ دانشمندی و فضیلت فانی را اعتراف کرده و می‌گوید:

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، به اهتمام [پروفسور] عابدی، ص ۴۸.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۹.

۴. همان، ص ۵۰.

۵. مجله شیرازه، سری‌نگر، شماره ۲۰، سیری ۱۰، ۱۹۸۱ م، ص ۷-۶.

۶. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، به اهتمام [پروفسور] عابدی، ص ۵۰.

۷. همان، ص ۱۵۸.

”غنی در این کمالات به جانب فواضل مآب عارف معارف حقّانی سالک مسلک سخندانی حضرت شیخ محسن فانی دامت علی سائر المسلمین فیوضاته انتساب داشت و...“^۱.

فانی در سال ۱۰۸۳ هجری/۱۶۱۷ میلادی در کشمیر درگذشت. او خود تاریخ وفاتش را «رفته فانی به عالم باقی» گفته بود. او در صحن خانه خود در قطب‌الدین پوره نزدیک خانقاه داراشکوه به خاک سپرده شد.^۲

فانی کلیاتی مشتمل بر قصاید و غزل و رباعیات و چهار مثنوی^۳ از خود باقی گذاشته است که به قرار زیر است:

۱- مثنوی ناز و نیاز

۲- مثنوی میخانه

۳- مثنوی مصدرالآثار

۴- مثنوی هفت اختر.

فانی از گل‌هایی که گرداگرد نهر دل در فصل بهار کشمیر می‌رویند ذکر می‌کند و می‌گوید که گل‌های کول آب دل را رنگین ساخته و به نظر می‌رسد که نهر دل به آتشکده مبدل گردیده است:

گلش آتش انداخت در آب دل شد آتشکده روی تالاب دل

*

در این فصل جایی چو کشمیر نیست که آنجا کس از اهل تزویر نیست^۴
فانی در مثنویات هر جنبه جغرافیایی کشمیر را بیان داشته و صفات آن را ذکر کرده است. چنانچه زیبایی و قشنگی گل‌های لاله و نسترن و ریحان و سنبل و سوسن و کول را بیان می‌کند و می‌گوید:

۱. مجله شیرازه، سری نگر، شماره ۲۰، سیری ۱۰، ۱۹۸۱ م، ص ۵.

۲. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۴۷؛ مجله شیرازه، ص ۹.

۳. شبلی نعمانی، شمس‌العلماء محمد شبلی: شعرالعجم، ج ۴، ص ۱۶۰.

۴. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری به اهتمام [پروفیسور] عابدی، ص ۴۸.

گه از دیدن غنچه خندان شوم گه از یاد سنبل پریشان شوم
 دهم لاله را پنبه از نسترن که داغ دلش گشته جزو بدن
 کشیدم ز دل چون صبا آه سرد که شد در چمن رنگ صد برگ زرد
 بگیرم چو یک بیره پان در دهان به سوسن زخم حرف از ده زبان
 برآیم به رنگ همه در چمن گهی سبزه گردم گهی نسترن
 چو در وصف گلها گشایم دهان کنم وام از برگ ریحان زبان
 گِروُ برده از سلسبیل آب دل که رنگین شده از بهار کول
 چنان هر گلش سرکش افتاده است که گویی در آب آتش افتاده است
 درین فصل از غنچه‌های کول شده منقل آتشی آب دل
 ز جوش گل و برگ سبز کول گلستان شده صفحه آب دل^۱

فانی کشمیری خیال دارد که مثل کشمیر جایی دیگر وجود ندارد، چون مردم این سرزمین صلح‌دوست و پاکدل هستند قلب ایشان از ریا و تزویر خالی است:

درین فصل جایی چو کشمیر نیست که آنجا کس از اهل تزویر نیست^۲

کشمیر را باغ جنت موسوم کرده می‌گوید مردمانی که مثل شیخ جام اینجا شراب می‌خورند مرتکب گناه نمی‌شوند، چون شراب در جنت ممنوع و جرم نیست:

همه باده نوشند چون شیخ جام که می‌نیست در باغ جنت حرام^۳

سپس فانی باغ‌های کشمیر را توصیف می‌کند و می‌گوید که بعد از گردش در باغ نسیم ارزش و اهمیت باغ نعیم از بین می‌رود:

اگر کس کند سیر باغ نسیم نیارد دگر یاد باغ نعیم^۴

همچنین وقتی توصیف از باغ نشاط می‌کند و می‌گوید از خوشحالی و مسرت نمی‌توانم خود را کنترل کنم و بنا به افزایش گل و لاله در باغ نشاط باغ‌های خلد و فردوس رشک و حسادت دارند:

اگر سر کنم وصف باغ نشاط نگنجد دلم در تن از انبساط

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، به اهتمام [پروفسور] عابدی، ص ۵۱-۱۵۰.

۲. همان، ص ۱۵۰.

۳. همان، ص ۱۵۱.

۴. همان، ص ۱۵۱.

ز جوش گل و لاله این دو باغ شده گلشن خلد و فردوس داغ^۱
 درباره باغ شاله‌مار می‌گوید که این باغ بسیار قشنگ است و مردم را به سوی خود
 می‌کشاند و علتش این است که باغ شاله‌مار عروس باغ‌های کشمیر است:
 عروس همه باغ‌ها شاله‌مار که او را گرفته است دل در کنار^۲
 فانی می‌گوید هنگامی که از عیش آباد می‌گذرم خوشحالی من دو برابر می‌گردد:
 چو در عیش آباد کردم عبور دوبالا طرب شد دو چندان سرور^۳
 برتری باغ شاه را نسبت به باغ‌های دیگر کشمیر ابراز می‌کند و می‌گوید که این
 فرق مثل فرقی مابین یک خانه و خانقاه است:

ازین باغ‌ها به بود باغ شاه که فرق است از خانه تا خانقاه^۴
 در این باغ چشمه‌ای به نام چشمه عارفان جاری و ساری است و فواره‌ها که
 در گوشه و کنار آن کار می‌کنند چنین به نظر می‌رسد که دست‌های خود را برای دعا
 بلند کرده‌اند:

درو چشمه‌ای هست دایم روان که نامش بود چشمه عارفان
 درین باغ هر گوشه فواره‌ها به گردون برآورده دست دعا^۵
 فانی تازگی و شفافی این باغ را بیان می‌کند و می‌گوید که حوض اینجا مثل حوض
 کوثر به روحانیون نشاط می‌بخشد. آبش تمیز و شفاف است و عارفان از این آب وضو
 می‌گیرند:

بود حوض او حوضه فیل کوه سزد گر بود جای داراشکوه
 مگر حوض او حوض کوثر بود کز آبش لب عارفان تر شود
 شبی کن گذر از لب حوض او که باید به این آب کردن وضو^۶

بعد از آن فانی از باغ نسیم و باغ فتح یاد می‌کند:

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، به اهتمام [پروفسور] عابدی، ص ۱۵۱.

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. همان، ص ۱۵۲.

۴. همان، ص ۱۵۲.

۵. همان، ص ۱۵۲.

۶. همان، ص ۱۵۲.

چو در باغ نسیم گذار اوفتاد عبورم به شهر و دیار اوفتاد
 به باغ فتح چند کردم گذر که از هند یابم در آنجا خبر^۱
 فانی خیال دارد که اگر کسی زیبایی و قشنگی باغ‌های کشمیر را توصیف نکند، مثل
 این است که گلستان سعدی را نخوانده است:
 درین فصل یک کس ز اهل سخن نخوانده کتاب گلستان چو من^۲
 در صحن باغ فانی از بوی مستی آور بهار سرشار می شود و می گوید:
 به صحن چمن می پرستی کنم که وصف درختان به مستی کنم^۳
 درختان باغ‌های کشمیر نیز از میوه‌ها چون سیب و آلو و شفتالو و پسته و انگور و
 بادام می باشند. فانی در ابیات خود این میوه‌ها را ذکر می کند:
 گذارم چو لب بر لب جام خویش ز هر میوه‌ای تر کنم کام خویش
 نچیده کسی به ز من در چمن ز سرو قد یار سیب ذقن^۴
 خلاصه این که مثنویات فانی پُر از حدیث کشمیر است.

منابع

۱. آزاد بلگرامی، میر غلام علی: مآثرالکرام، کتابخانه آصفیه، حیدرآباد، ۱۹۱۳ م.
۲. تیکو، جی. ال.: برگزیده از پارسی سرایان کشمیر، انتشارات انجمن ایران و هند، تهران، شهریورماه ۱۳۴۲ ه. ش.
۳. شبلی نعمانی، شمس‌العلما محمد شبلی (م: ۱۳۳۲ ه.): شعرالعجم، جلد چهارم، مطبع معارف، اعظم‌گره، ۱۹۲۴ م.
۴. شیروانی، [دکتر] ریاض احمد: غنی کشمیری: احوال و آثار و سبک اشعار، سری‌نگر، ۱۳۴۹ م.
۵. غنی فرخ‌آبادی، محمد عبدالغنی (م: ۱۳۳۵ ه.): تذکرةالشعراى غنی، به اهتمام محمد مقتدی خان شروانی، علیگره، یکم اکتبر ۱۹۱۶ م.

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، به اهتمام [پروفسور] عابدی، ص ۱۵۳.
 ۲. همان.
 ۳. همان.
 ۴. همان.

۶. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: *مثنویات فانی کشمیری*، به اهتمام [پروفیسور] سید امیر حسن عابدی، سری نگر، ۱۹۶۴ م.
۷. کنبوه لاهوری، محمد صالح (م: ۱۰۸۵ هـ): *عمل صالح موسوم به شاہجہان نامہ*، حواشی [دکتر] غلام یزدانی، تصحیح دکتر وحید قریشی، مجلس ترقی ادب، لاہور، جلد سوم ۱۹۳۹ م.
۸. مجلہ شیرازہ، دانشگاه کشمیر، سری نگر، ۱۹۸۱ م، شماره ۲۰، سیری ۱۰.
9. Javed, Saleem Malik: *A Critical Survey of Mathnavis of Fani Kashmiri* (M.Phil Dissertation), University of Delhi, Delhi, 1995.
10. Rahman, M.L.: *Persian Literature in India during the Time of Jahangir and Shahjahan*, Baroda, 1970.